



## درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۲۰ فروردین ۱۳۹۱  
مصادف با: ۱۶ جمادی الاولی ۱۴۳۳  
جلسه: ۲۶

موضوع کلی: جوامع روایی ثانوی  
موضوع جزئی: مصادر کتاب وسائل الشیعه  
سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

بحث در مصادر کتاب وسائل الشیعه بود، عرض شد مصادر کتاب وسائل الشیعه بر چند قسم هستند که در جلسه گذشته راجع به انواع مصادر و منابع کتاب وسائل مباحثی را مطرح کردیم. یک قسم از منابع این کتاب کتبی هستند که خود صاحب وسائل ادعای اعتبار این کتب را دارد و طرق خودش را به این کتب معتبر می‌داند لکن این سخن به بحث و بررسی نیاز دارد، کتابی که به بررسی آن پرداختیم کتاب تحف العقول بود که مشخص شد روایات این کتاب به بررسی سندی نیاز دارد و ما باید روایات این کتاب را بررسی کنیم تا ببینیم از نظر سندی مورد اعتماد هستند یا خیر؟

### صحیفه الرضا (ع)

کتاب دیگری که از جمله منابع و مصادر کتاب وسائل الشیعه محسوب شده صحیفه الرضا (ع) است. صاحب وسائل صحیفه امام رضا (ع) را از کتب معتبره دانسته و طرق متعددی برای این کتاب نقل کرده که حدود ۸۰ طریق است ولی این طرق علیرغم تعدد و تنوع در وسائط و کسانی که متأخر بوده‌اند نهایتاً به چهار نفر برمی‌گردد؛ یعنی همه طرق این کتاب به این چهار نفر برمی‌گردد که عبارتند از: احمد بن عامر طائی، داوود بن سلیمان قزوینی که از طریق پسرش نقل شده، علی بن مهدی بن صدقه و احمد بن عبدالله هروی شیبانی. حال برای اینکه ببینیم آیا این کتاب؛ یعنی صحیفه الرضا (ع) معتبر است یا نه باید این چهار نفر را که همه طرق به این چهار نفر ختم می‌شود مورد ارزیابی قرار دهیم.

در مورد احمد بن عامر بن طائی هیچ مدح و ذمی در کتب رجالی از او نشده؛ یعنی نه او را مدح کرده‌اند و نه مورد مذمت واقع شده و تنها چیزی که وجود دارد این است که مرحوم شیخ طوسی و نجاشی درباره او گفته‌اند: «إن له کتاباً عن الرضا علیه السلام»<sup>۱</sup> و بیش از این چیزی درباره او گفته نشده؛ اینکه مثلاً ثقة بوده یا خیر، اهل ضبط بوده یا خیر، چه مذهبی داشته و آیا اهل علم و فضل بوده یا خیر مورد اشاره قرار نگرفته است و فقط همین قدر درباره او گفته‌اند که کتابی از امام رضا (ع) دارد.

در مورد داوود بن سلیمان قزوینی هم نه مدحی وارد شده و نه ذمی، اینکه گفته می‌شود مدح و ذمی درباره او وارد نشده به معنای مجهول بودن این شخص نیست بلکه مراد این است که با اینکه این شخص شناخته شده است ولی چیزی به

۱. رجال شیخ طوسی، ص ۲۶۷.

عنوان اینکه این شخص واجد اوصاف معتبره در راوی باشد نقل نشده است، از طرف دیگر چیزی به عنوان نفی صفات معتبره در راوی هم درباره او گفته نشده است.

در مورد علی بن مهدی بن صدقه هم تنها چیزی که نجاشی درباره او دارد این است که می‌گوید: «له کتاب عن الرضا علیه السلام»<sup>۱</sup> و مدح و ذمی درباره او وارد نشده و فقط به همین حد اکتفاء شده که کتابی از امام رضا(ع) دارد. البته تفاوتی که این صدقه با دو نفر قبلی دارد این است که در اسناد کامل الزیارات وارد شده است.<sup>۲</sup> حال آیا صرف وقوع در اسناد کتاب کامل الزیارات دلیل بر اعتبار روایت شخص می‌شود یا خیر؟ قبلاً درباره کتاب کامل الزیارات مطالبی را عرض کردیم، اگر راوی از مشایخ ابن قولویه باشد توثیق عام ابن قولویه شامل او می‌شود ولی اگر از مشایخ او نباشد توثیق عام ابن قولویه شامل او نمی‌شود، در مورد ابن صدقه آنچه که می‌توان گفت این است که درست است که در اسناد کامل الزیارات واقع شده ولی از مشایخ ابن قولویه نیست که در این صورت توثیق عام ابن قولویه شامل او نمی‌شود و بر فرض هم توثیق عام ابن قولویه شامل او شود باید در جای خودش بررسی شود که توثیق عام ابن قولویه تا چه حدی موجب اطمینان به اعتبار روایات یک راوی می‌شود که ما در آینده به بحث توثیق عام و خاص اشاره‌ای خواهیم داشت. بهر حال نتیجه‌ای که در مورد این شخص سوم؛ یعنی ابن صدقه می‌توان گرفت این است که مدح و ذمی درباره او وارد نشده و فقط نجاشی درباره او می‌گوید که او کتابی از امام رضا(ع) دارد و همچنین در اسناد کامل الزیارات واقع شده است که هیچ یک از این دو نکته موجب اعتبار روایات او نمی‌شود؛ چون برای اینکه ما بتوانیم به روایات یک راوی اعتماد کنیم حداقل باید وثاقت او محرز شود که یا به نحو توثیق خاص باشد و یا به نحو توثیق عام که در مورد ابن صدقه توثیق خاصی وارد نشده و وقوع او در اسناد کامل الزیارات هم باعث نمی‌شود توثیق عام ابن قولویه را شامل حال او بدانیم چون از مشایخ ابن قولویه نیست پس وثاقت او برای ما محرز نیست در نتیجه این شخص هم مورد اعتماد نیست.

در مورد شخص چهارم؛ یعنی احمد بن عبدالله هروی شیبانی مشکلی که وجود دارد این است که این شخص مجهول است و در کتب رجالی نامی از این شخص برده نشده است. در مورد سه نفر قبلی عرض کردیم مشکل مجهولیت ندارند ولی مشکل این بود که مدح و ذمی درباره آنها وارد نشده بود ولی احمد بن عبدالله هروی مجهول است؛ یعنی معلوم نیست چنین شخصی وجود خارجی داشته باشد و اگر هم وجود داشته معلوم نیست که نام حقیقی او احمد بن عبدالله هروی باشد لذا در مجموع با توجه به اینکه کتاب صحیفه الرضا(ع) به چهار نفر مذکور منتهی می‌شود و هیچ یک از این چهار نفر قابل اعتماد نیستند؛ یعنی طرقی که به این کتاب وجود دارد طرق معتبری نیستند در نتیجه روایات موجود در این کتاب باید مورد بررسی سندی قرار بگیرد و به صرف وجود روایتی در این کتاب نمی‌توان آن را پذیرفت لذا روایات کتاب صحیفه الرضا(ع) هم مثل کتاب تحف العقول باید مورد بررسی سندی قرار گیرد.

#### تفسیر منسوب به امام عسکری(ع):

۱. رجال نجاشی، ج ۲، ص ۱۱۵.  
۲. کامل الزیارات، باب ۱۱، حدیث ۱، ص ۳۹.

در مورد کتاب تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع) اختلاف واقع شده که آیا اصل انتساب این کتاب به امام عسکری(ع) صحیح است یا نه؟ بزرگانی مثل ابن غضائری، میرداماد و مرحوم آقای خوبی ادعا می‌کنند: لایصدر عن عالم فضلاً عن الإمام(ع)؛ این تفسیر از یک شخص عالم معمولی صادر نمی‌شود چه رسد به اینکه گفته شود از امام صادر شده است، در مقابل علامه مجلسی و پدرش ادعا می‌کنند: مَنْ لَه مَعْرِفَةٌ بِالرَّوَايَاتِ يَجْزِمُ بَأَنَّهُ يَصْدُرُ عَنِ الْإِمَامِ(ع)؛ کسی که با روایات آشنا باشد یقین می‌کند که این تفسیر از امام(ع) صادر شده است. بعضی هم حد وسط بین این دو قول را قائل هستند و می‌گویند نه رأساً می‌توانیم بگوییم این کتاب از امام(ع) صادر نشده و نه رأساً می‌توانیم بگوییم از امام(ع) صادر شده بلکه این کتاب هم مثل سایر کتب مشتمل بر روایاتی است که بعضی از آن روایات قابل تصدیق نیست؛ چون این روایات متضمن مطالبی است که بر خلاف مطالب کتب سیره و تاریخی است؛ مثلاً مطالبی درباره حجّاج یا مختار در آن ذکر شده که با آنچه در کتب سیره و تاریخ نقل شده منافات دارد یا مثلاً در مورد پیامبر(ص) روایتی در این کتاب آمده است که: «أَخَذَ تَفَاحَةً مِنَ الْجَنَّةِ فَلَمَّا شَقَّهَا رَأَى حُورِيَةً»؛ یعنی پیامبر(ص) سیبی را از بهشت أخذ کرد و وقتی آن را شکافت حوریه‌ای را مشاهده کرد. مواردی از این قبیل، قضایای عجیبی است که در این کتاب ذکر شده که معلوم نیست واقع شده باشد و یا اگر هم واقعاً چنین مواردی واقع شده نمی‌توان آنها را حمل بر معنای ظاهری کرد لذا بعضی از روایات این کتاب قابل تصدیق نیست و بعید است که چنین روایاتی از معصومین(ع) صادر شده باشد.

بعضی دیگر از روایات این کتاب ممکن است از معصومین(ع) صادر شده باشد همان گونه که علامه مجلسی و پدرش به این مطلب تصریح کرده‌اند لذا جمع بین این جهات این است که روایات این کتاب هم مثل کتاب تحف العقول و کتاب صحیفة الرضا(ع) نیاز به بررسی سندی دارد که اگر اشخاص موجود در سند روایت موثق بودند روایت را می‌پذیریم و اگر سند روایت ضعیف بود آن را نمی‌پذیریم پس نمی‌توان گفت این کتاب معتبر است و به صرف وجود روایتی در کتاب تفسیر امام عسکری(ع) بگوییم این روایت معتبر است.

«والحمد لله رب العالمين»